

بازارچه هفتگی مسجد امام رضا^(ع) با استقبال اهالی به مدت ۳ سال دوام آورده است

کار، کرامت و رفاقت در یکشنبه بازار بانوان تلگرد

۴



مکان نما

انواع رب، کیف، ادویه و... به دلیل از تولید به مصرف بودن، کالاها قیمت کمتری نسبت به بازار دارند و این موضوع، مزیت های رقابتی بازارچه به شمار می رود.

دستاوردهای غیرمستقیم

یکشنبه بازار بانوان تلگرد، یک مرکز خرید صرف نیست و در کنار آن، اتفاقات ظریف و ارزشمندی رخ می دهد که از نگاه های ریزبین دور نمی ماند؛ «از طریق همین رفت و آمدها و کلاس های هنری که گاهی در کنار غرفه ها برگزار می شود، برخی بانوان محله، با پایگاه بسیج مسجد ارتباط برقرار کرده و عضو شده اند.» این یکی از نکاتی است که حسین پور به عنوان دستاورد غیرمستقیم بازارچه اشاره می کند و ادامه می دهد: بسیاری از خانم های فروشنده بازارچه، به اینجایم آیند تا با کرامت، نیازهای مالی شان رافع کنند. با آشنایی هایی که بینمان ایجاد شده است، متوجه وضعیت اقتصادی نامناسب برخی از آن ها شده ایم و با کمک خیران، در حد توان برایشان بسته معیشتی آماده می کنیم. اوامیدوار است پیگیری ها و نامه نگاری ها جواب دهد و با موافقت شهرداری منطقه، یکشنبه بازار به بوستان بانوان پارک بسیج منتقل شود تا هم بار کرایه مکان از دوش بانوان برداشته شود و هم تمام اتفاقات خوب ریز و درشتی که به مدد برپایی بازارچه رخ داده است، با وسعت و قوت بیشتری ادامه پیدا کند.



به خاطر چند ساعت استفاده از این زیرزمین، بهایی است که هر کدام از بانوان فروشنده، با پرداخت سهم خود در تأمین آن مشارکت می کنند. مازاد مبلغ جمع شده نیز صرف تبلیغات برای بازارچه یا تأمین کرایه در هفته هایی می شود که بنا به هر دلیلی، مثل شرایط نامساعد جوی، استقبال فروشندگان کم رنگ است.

نتیجه همه این برنامه ریزی ها شده است برپایی غرفه هایی که مرز هر کدام با ملافه های پهن شده روی فرش، معلوم می شود. تولیدات خانگی یا کارگاهی بانوان، بیشتر کالاهای عرضه شده در غرفه ها را تشکیل می دهد. این محصولات، گلچینی هستند از ملزومات روزمره یک بانو؛ از زیورآلات و بدلیجات گرفته تا کیک و کلوچه خانگی، انواع پوشاک، سبزی خشک، کرم های دست ساز،

فرزانه شهامت از زیرزمین مسجد امام رضا^(ع)، با وسعت پانصد مترمربع از همهجمله فروشندگان محلی و خریداران پر شده است. سه سالی هست که در این فضا، صبح تا ظهر روزهای یکشنبه، بازارچه اختصاصی بانوان برپا می شود. یک سوی ماجرا، حس خوب زنان محله تلگرد از خرید و فروش رضایت بخش در فضایی امن و آرام است و سوی دیگر آن، باز شدن باب آشنایی ها، رفاقت ها و گرفتن دست یکدیگر برای عبور ساده تر از روزهای دشوار زندگی.

نخستین جرعه

انبوه کشف های جفت نشده، در ورودی زیرزمین مسجد، به استقبال اهالی از این بازارچه، گواهی می دهد. بازدید سرزده ما از این رویداد اقتصادی هفتگی، با شنیدن توضیحاتی کامل می شود که درباره جرعه اولیه شکل گیری آن می شنویم: «من در رشته های مختلف هنری مثل بافتنی دو میل، تابلو فرش، روبان دوزی، سنگ مصنوعی، قلاب بافی، مکرومه بافی و... فعالیت می کنم. بازارچه این طور کلید خورد که نمونه کارهایم را می آوردم مسجد و بعد نماز یا جلسات پایگاه بسیج، می فروختم. خانم های دیگر هم از این کار خوششان آمد و کم کم تعدادمان بیشتر شد.»



این ها را مریم حسین پور، مسئول یکشنبه بازار بانوان تلگرد، می گوید. او دوستانش، از ظرفیت پایگاه بسیج و جلسات یکشنبه های آن به نفع رونق بازارچه، به خوبی بهره برده اند. برگزاری هم زمان این دو برنامه، یک مزیت داشت. اعضای پایگاه، بازدیدکنندگانی بالقوه بودند و حمایت و رضایتشان می توانست در پاکر فتن ایده بازارچه، مؤثر باشد. این حرکت کوچک که ابتدا با حدود پنج شش بانوی فروشنده شروع شد، اکنون به حدود سی غرفه رسیده است و همچنان امکان توسعه دارد، اگر حمایتی باشد.

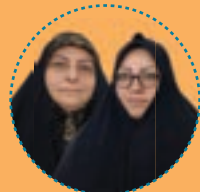
مزیت رقابتی بازارچه

زیرزمین مسجد، در رهن واحد آشپزخانه است و مستأجر خصوصی دارد. پرداخت هفته ای ۵۰۰ هزار تومان کرایه،



تجربه های خوبی که تکرار می شوند

خیرالنسا نادری و فاطمه منفرد، در حلقه دوستانشان به دوقلوها معروف اند، چون هر کدامشان بخواهد جایی برود، دیگری را خبر می کند؛ خواه مقصد، جلسات پایگاه بسیج خواهران مسجد امام رضا^(ع) باشد یا یکشنبه بازار در زیرزمین مسجد و یا هر جای دیگر. هر دو، با دست پر در حال خروج از بازارچه هستند. یکی برای فرزندش یک دست بلوز و شلوار خوش دوخت با رنگ های گرم و شاد، خریده و از کیفیت پارچه و قیمت آن، راضی است.



دیگری هم نیازش به جوراب و پیازهای خالی خشک شده را از بازارچه تأمین کرده است. دلیل مراجعه هفتگی این دو دوست به بازارچه، تجربه های خوب قبلی و رضایتشان است و با اطمینانی که از کیفیت اجناس و قیمت های منصفانه آن دارند، به همسایه ها معرفی اش کرده اند. در این بین، می ماند تنوع کالاهای عرضه شده که گاه، به دلیل کم بودن نقدینگی فروشنده ها، کاهش می یابد و خریدار را به مراجعه دوباره در هفته بعد، ناگزیر می کند.

میخواستم سرزندگی ام باشم

طیبه نظری، از حدود سه ماه پیش به جمع فروشندگان این بازارچه، پیوسته است. او پس از هشت سال تجربه فروشندگی در بازار فردوسی تصمیم گرفت به مشاغل خانگی روی بیاورد. استدلالش برای انتخاب این تصمیم را این طور بیان می کند: می خواستم در کنار درآمدزایی و کمک به اقتصاد خانواده، سر زندگی ام باشم. برای همین فروش آنلاین و حضوری سبزی خشک را انتخاب کردم. برای فروش حضوری می آیم به این یکشنبه بازار. نعنا، شوید، ترخون، جعفری، سبزی های کوکو، قورمه سبزی، معطر، پلویی و خلاصه هر نوع سبزی را که برای آشپزی لازم باشد، دارم. از صبح تا آن که حدود ۱۰:۳۰ است، هشت بسته سبزی و پیاز خشک، فروخته و امیدوار است تا پایان بازارچه در ساعت ۱۴، این فروش بیشتر شود. او می گوید: در تابستان که برق بازارچه قطع می شد، به سختی و با چراغ قوه موبایل هایمان، کار مشتری ها را راه انداختیم و نگذاشتیم اینجا تعطیل شود.

